

# اساس و حدود و دیتها

محدودیت‌های اجتماعی و فردی یکی از جهات زیر را داراست :

۱- برقراری آسایش عمومی و نظم اجتماع ، پیدایش محدودیتها از این نظر، در بحث گذشته بیان شد و گفتیم که اساس باره‌ای از محدودیتها - عدم تراحم افراد - در منافع مادی است .

دین و قوانین موضوعه بشری ؛ برای حصول نظم اجتماع ، ناچار دارای این دسته از محرّمات میباشد .

۲- تربیت انسان و سعادت ابدی او : این هدف از مباحثات مورد نظر، در تشریحات الهی است . ادیان و قوانین بشری ، در این نقطه از یکدیگر جدا میشوند ، قوانین غیر الهی از تربیت فرد (خارج از اجتماع ) ساکت است و اگر هم گاهی در آنها توجهی با اصلاح فرد شده باز برای تامین همان نظم اجتماع است - زیرا آنچه اساس حکومتها و قوانین غیر الهی را تشکیل میدهد ، همان نظم اجتماع است قوانین موضوعه بشری ، کوچکترین دخالتی در سبک فکر انسان ، چگونگی حالات فرد ، دارا بودن صفات نیک و بد و سایر شئونی که مربوط با اجتماع نیست ، ندارد ، کاری ندارد که انسان سوء ظن داشته باشد

یا خوش بین باشد؛ فقط اگر سوءظن کسی موجب عملی شد که مخل بنظم اجتماع است آنموقع برای برقراری نظم، فردا مسئول میدانند.

خلاصه اینکه: مادام که بدیهای روحی و فکری انسان بمرحله عمل نرسیده باشد ولو نقص وجودی شمرده شود؛ قانونهای بشری، نظری باصلاح آنها ندارند و تنها هدف آنها، نظم اجتماع است و پس، واگر یک فرد در تمام شئون فردی خود، سر تا با نقص باشد تا وقتی که صفات بد او، منشأ اخلال نظم اجتماع نگردد، کوچکترین مسئولیتی از نظر قوانین بشری نخواهد داشت زیرا آنها تنهایی خواهند انسان در اجتماع آرام باشد و در زندگی مادی تجاوز بحقوق دیگران نکند.

#### هدف دین در اصلاح فرد

امادین، علاوه بر خواستن نظم اجتماع؛ تربیت و تکامل فرد را گو اینک خارج از اجتماع و غیر مربوط بوظائف اجتماعی او باشد، میخواهد و اصلاح فرد همدمش با اصلاح اجتماع، منظور اوست زیرا شعاع نظر دین نسبت بزندگان، فرد وسیع بوده و زندگی و حیات جاوید انسان را در نظر دارد دین میخواهد انسان در دو جهان سعادت مند گردد، لذا تمام شئون اجتماعی و فردی انسان را در نظر گرفته احکام خود را روی تکامل انسان در دو جهان بنا کرده است از اینجاست تفاوت فاحش میان هدف، ادیان و قوانین موضوعه بشری واضح و آشکار میگردد.

خلاصه منطبق دین در دعوت فرد، اصلاح او در جمیع حالات و شئون زندگی (اجتماعی - فردی) میباشد، دین حیات ابدی بانسان میدهد و نظر او محدود به تأمین آسایش زندگی مادی این دنیاست، آیات شریفه زیر نمونه واضعی از این منطبق است.

«یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله وللسول اذا دعاکم لما یحییکم»

«من عمل منکم صالحاً من ذکر او انشی وهو مؤمن، فلنحیینه حیاة طیبة ولنجزینهم باحسن ما کانوا یعملون».

تأمین حیات جاویدان و سعادت ابدی از صریح این دو آیه آشکار است. از آیه دوم چنین استفاده میشود که درین زندگی نیکوی نوینی بانسان میبخشد (غیر از حیات مادی) که بر پایه عمل صالح و ایمان قرار گرفته است و چون این دو اساس و پایه (عمل صالح و ایمان) باقی میمانند حیاتی که روی این دو اصل فنا ناپذیر قرار گرفته باقی خواهد ماند در حالی که حیات مادی فانی خواهد شد، پس مراد از حیات در آیه همان زندگی جاویدان است. این منطق پایه دیگری برای دسته ای از معمرات و محدودیت های دینی است که منظور سعادت جاوید انسان مقرر گردیده است و لذا آنچه بحیات و زندگی ابدی انسان لطمه بزند در دین حرام و ممنوع میباشد.

بنا بر این به محض اینکه ارتکاب یک موضوع ممنوع دینی، اخلاقی در زندگی مادی ما ایجاد نکند؛ ما حق نداریم آنرا انکار کنیم زیرا ممکن است این حرام ایجاد ضرر مادی نکند ولی برای زندگی ابدی و حیات جاویدان انسان مضر باشد.

۳- تعدیل در حقوق روح و جسم (تن روان):

چون انسان دارای دو شخصیت است، شخصیت روحی که شرافت او بآن وابسته است و شخصیت جسمی که با سایر موجودات جاندار در آن شریک است، در دین کمال انسان از هر دو جنبه، بنحو متعادل مطلوب میباشد و مقرراتی برای حفظ و کمال هر یک وضع گردیده؛ ولی از این دو جنبه؛ کمال روح، بعات شرافت آن بیشتر مورد توجه است بلکه میتوان گفت، آنچه مورد توجه است کمال روح است و از آنجائیکه تکامل روح انسان نیازمند بد داشتن جسمی سالم است از این جهت حفظ بدن نیز واجب و اداء حقوق وی لازم میباشد، بنابراین کمال روح مقصود اصلی و سلامتی جسم (برای کمال روح) هم مطابقت است، در روایات نیز گاهی از احکام مربوط به جسم و جان به کلامه حقوق تعبیر شده «ان لبدنک علیک حقاً و لروحک علیک حقاً» از پیغمبر اسلام نقل شده که: روزی بملاقات عبدالله رفت، وی در خانه نبود

از همسر ادا حوال پرسید فرمود زن جواب داد حال من چگونه باشد؟ باینکه عبدالله مردی است از دنیا، اعراض نموده - نه غذا می خورد - نه می خوابد و حق زناشویی مرا ادا نمی کند، پیغمبر ﷺ فرمود اگر بخانه مراجعت نمود او را ننگه دار تا مراجعت کنم مرد بخانه در آمد و پس از احظمای پیغمبر ﷺ مراجعت فرمود، فرمود: از تو چیز هائی میشوم، آیا تو نمی خواهی؟ گفت نه از این کار و ریاضت، امید نجات و زهائی از شدائد و روز قیامت را دارم، فرمود: گوشت و غذا هم تمیزوری گفت نه، از این ترك طعام، نصیب بهتری را در بهشت دارم، فرمود حق عیالت را ادا نمی کنی گفت نه، از این کار نیز امید بهتری در بهشت جاودان دارم سپس فرمود: ای عبدالله ان لك في رسول الله اسوة حسنة، بدان که رسول خدا در روش زندگی و مطلق حیات سر مشق تو میباشد، من که رسول و فرستاده خدایم، هم روزه میگیرم و هم افطار می کنم هم گوشت می خورم و هم حقوق زنان خود را ادا می کنم ان الله عليك حقاً و لبدنك عليك حقاً و لاهلك عليك حقاً، بدان خدای عالم بر تو حق دارد و بدنت بر تو حق دارد و خانوادها هم بر تو حق دارد، باین مطلق دقیق و عقلی، پیغمبر اسلام ﷺ روش زندگی متعادل که بر طبق سنت الهی است بیان فرمود.

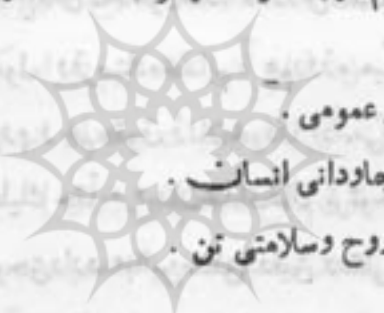
بنابر این برای کمال روح (قرب بخداوند عالم) و تن (سلامتی وی) مقررات و قوانینی در دین میباشد که باید طبق آنها حقوق هر يك ادا گردد.

پس باین منطق، نباید در مورد هر موضوع حرامی مطالبه يك جهت زیان مادی و جسمانی نمود و انتظار چنین چیزی از منطق دین و مقررات الهی بسیار دور است زیرا چه بسیار از محرمان و ممنوعیتها، مغل بادا حقوق روح در سیر بکمال است ولو هیچ ضرر جسمانی نداشته باشد.

و عبارت دیگر: اگر دین تنها يك مؤسسه بهداشت بود باید در هر مورد ممنوعی اجتناب از يك ضرر مادی در نظر گرفته شده باشد؛ اما دین مؤسسه جامعی است که

تکامل روح و سلامتی جسم را هر دو در نظر دارد و حق هر يك را بقدر ارزش و شرافت آنها اداء می کند پس هر چیز که ضایع کننده حقوق روح و جسم است در دین حرام می باشد - و تضییع حقوق هر يك ، از روش اعتدال خارج ؛ و در نظر دین مذموم است . و همانطور که انسان پر خور و پر خواب که کوچکترین توجهی بروح و کمال آن ندارد از روش دین خارج است زیرا شرافت و مقام بلند انسانیت خود را از دست داده به پستی حیوانیت تن در داده است همچنین کسی که تن بر ریاضت طاقت فرسای غیر مشروع میدهد و جسم خود را عمداً ضعیف و ناتوان میسازد ، او هم از روش دین خارج بوده و انسان معتدلی نیست .

از آنچه گفتیم نتیجه گرفته میشود که محدودیتهای دینی بر اساس سه جهت زیر بنا شده است .



- ۱ - آسایش عمومی .
- ۲ - سعادت جاودانی انسان .
- ۳ - تکامل روح و سلامتی تن .

شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی